



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۲۶

دودیال

هنر، زیبایی و رموز هنر و زیبایی

(قسمت چهارم)

در افغانستان بار بار تجربه شد که اعمال و اقدامات خلاف عُرف و کلتور عکس العمل شدید را به بار آورده است. اما از طرق معقول میتوان جنبه های اصلاح پذیر کلتور را اصلاح نمود، تکامل داد و به اعتلای فرهنگی دست یافت. طی دهه چهل افغانستان به بهترین شکل به انکشاف معارف و تقویت نهاد های آموزشی، فرهنگی، رشد موسیقی، فلم و سایر بخشهای هنرهای زیبا دست یازید. برخلاف؛ در سالهای اخیر نمایشات و نشرات نامناسب یکعده مجلات، جراید و تلویزیونها حساسیت بر انگیز بودند. تشدید افراط و تفریط در یک تناظر طی سالیان گذشته از سبب چنین اقدامات غیر سنجیده شده بوده است. درین تضاد ها و افراط و تفریط درکنار سایر مسایل اقتصاد نیز ضربه دیده، فعالیتهای اقتصادی ورشکست، ابتکارات در عرصه تولید نعمات مادی و معنوی گرفتار آشفتگی و نیروی کار از میدان تولید به جبهه ی جنگ و برخوردها سوق میگردد. این قلم موضوع ادبیات، هنر و زیبایی را بنا بر اینکه با اقتصاد، نیروی کار و حتا زیربنای اقتصادی در ارتباط است، به حضور اهل بحث و دانش مطرح ساخته است. امید مورد عطف توجه قرار گیرد.

عکس العمل در مورد اقدامات خلاف کلتور ملی باعث بی ثباتی میگردد، هر نوع بی ثباتی ضربه ی مهلک به اقتصاد است.

فراموش نمی کنیم که هر آنچه برای آن درمارکیت تقاضا وجود داشته باشد، دارای ارزش مادی و شامل برنامه باشد و به مارکیت عرضه گردد، جنس اقتصادی است، از آن جمله کست، فلم، تابلو، آثار خطاطی و نقاشی و غیره که هم مانند ضروریات فزیالوژیکی شامل برنامه هاست. اما در ایجاد و تخلیق شان باید توجه به ذوق عامه مد نظر باشد. از طرف دیگر ذوق عامه باید تربیت و پرورش یابد تا باعث اعتلای معنوی گردد. پرورش حس زیبایی پسندی و اعتلای معنوی باخشونت سازگار نیست. مقوله ی مشهور است که: انگشتانیکه به گیتار میروند، به ماشه تفنگ نمی روند(ترجمه ی تحت اللفظی).

تمدن تنها دارای جنبه ی معنوی نبوده، بلکه ساختار مشترک صنعت، زراعت، ترانسپورت، تجارت... و درپهلوی آن تمام ارزشهای معنوی انسانی است. سازمان فکری نظم اجتماعی نتیجه رشد فکری و مادی افراد جامعه اند. مطالعه ی تمدن غرض درک حرکت تاریخی انسان، شعور اجتماعی و رشد فرهنگ باهم وابسته اند. پس هنر، ادبیات و آثار تخلیقی زیبا جز ارزش های مدنی است. رونق تمدن (که اجزای مادی و معنوی دارد) شاخصه ی اقتصاد نوین است. هرگاه اگر متخصصین اقتصاد به حوزه ی فرهنگ، هنر و ادب وزیبایی شناسی وارد تماس و بحث میشوند، از ناچاری است. خصوصاً که طی بیست سال گذشته در افغانستان مصارف گزاف گویا(در امور فرهنگی) صورت گرفت، ولی نتیجه مطلوب نبود. مثال آن چاپ نشریه های بی شمار و تلویزیونهای متعدد بود. هرگاه اگر از مفیدیت اقتصادی و رول آن در تولید نعم مادی و ترقی تخنیکی سوال یا ابرادی صورت می گرفت، فوراً موضوع ارزش هنر و زیبای و زیبای شناسی به رخ سوال کننده(اقتصاد) کشیده میشد. درحالیکه بحثها و مشاجرات آن نشرات و تلویزیونها؛ سیاسی،

تعصب آمیز، پروژه یی و تفرقه افگانه بود که نتایج منفی انرا دیدیم. درحالیکه اگر فعالیتها و مصارف بخشهای فرهنگی، هنری و ادبی معقول میبود، حتماً باعث ترقی و تکامل وضعیت مادی و معنوی میشد، که نشد. ترقی و تکامل یک مفهوم جامع است، هم بُعد لغوی و هم بُعد اصطلاحی دارد(در اقتصاد اکثریت اصطلاحات هم از نظر لغت و هم از نظر اصطلاح تعریف میشوند).

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

طبق (Prof. W.A.Lewis) در اقتصاد سه اصطلاح) رشد growth ، ترقی Progress و انکشاف (Development) با معانی متفاوت، ولی باهم پیوسته وجود دارد:

به نظر براون رشد اقتصادی حالتی است که در آن تغییرات کمی در اقتصاد نظر به گذشته در وضعیت بهبود باشد. درینجا تغییر را با مقدار و اندازه ی قابل مقیاس و سنجش می سنجند، یعنی تاکید بر کمیت. اما ترقی تحولات مثبت و بهبود در زمان فعلی نظر به یک زمان معین گذشته است، که بیشتر جنبه ی مقایسوی دارد. درینجا نیز متغیرات کمی مورد نظر اند. درحالیکه انکشاف عبارت از تغییر کمی و کیفی (محسوس/مقداری و غیرمحسوس/غیرمقداری) در زنده گی یک جامعه است. به این ترتیب انکشاف به مقایسه رشد و ترقی ابعاد مادی و معنوی (هر دو) را در بر می گیرد. پروفیسور بالدوین (Baldwin) و مایر انکشاف را یک پروسه دانسته کی در مدت طولانی شاهد تحولات مثبت مادی و معنوی باشیم، خصوصاً وقتی در مدت زمان طولانی افزایش عاید حقیقی که خود متضمن بهتر شدن، جوانب صحت و رشد معنوی افراد جامعه است، انکشاف است (Amartya Sen). انکشاف را چنین تعریف نموده است:

Development can be seen... as a process of expanding the real freedoms that people enjoy.

هدف امارتیا سین بسیار انسانی است، ایشان گفته است که انکشاف وسعت دادن به آزادی بوده تا تمام مردم از آن استفاده نمایند. به این ترتیب بهبود اقتصاد را وابسته به سایر جنبه های حیات میدانند. انکشاف یعنی بهبود جنبه های کمی و کیفی جامعه. اما (Claim Clark) بیشتر به رفاه (Welfare) تاکید ورزیده است، (Buchanan) و (Ellis) افزایش عاید حقیقی را از طریق سرمایه گذاری میدانند.

امروز بهبود اوصاف و سجایای اخلاقی، انفاذ و رعایت قانون، رشد متمدنانه، آزادیهای فردی و ساینس و حکومتداری سالم را شامل انکشاف میدانند. فلاسفه و اقتصاددانان اسلامی نیز نظرات مشابه با امارتیا دارند. در گذشته های بسیار دور ابن خلدون انکشاف هر دو جنبه (مادی و معنوی) زنده گی را تمدن و تحول اجتماعی دانسته بود که آن را نتیجه تحولات دورانی و حاصل برخورد خلاقانه ی انسان در برابر ناملایمات و حل مشکلات دانسته بود.

جالب است که در معهد های تدریسی و مدارس دینی اکثریت کشورهای اسلامی در جنب تدریس مسایل فقهی؛ به فزیکات، ریاضیات و نشاطات توجه مینمایند. منظور از نشاطات همانا تربیت بدنی، سپورت، ایجادیات خلاقانه ی هنری و ذوق ادبی و تفریح سالم است.

حکومات که دارای پالیسی های معقول در مورد انکشاف اند، میکوشند تا شعر، ادب و هنر را همزمان با جنبه های زیبایی آن، سازگار و مددگار رشد اقتصادی سازند.

(ادامه دارد)